

اسماء تاریخی

- سه نامه از دکتر محمد مصدق
- دو نامه از ایرج میرزا / محمد گلبن

سه نامه از دکتر محمد مصدق

احمدآباد ۹ مهر ماه ۱۳۴۴

اول نوامبر ۱۳۴۴

قربان سوسو جان عزیزم^۱

۲۱۴



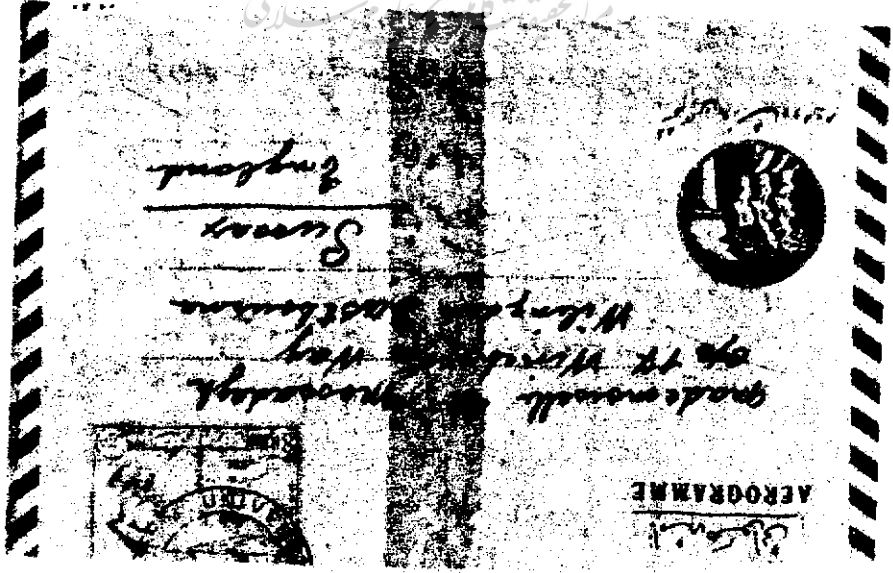
مدتی است که از تویی خبرم. امیدوارم حالت خوب و کسالتی نداشته باشی. خوشوقتم از اینکه صاحب خانه دختری دارد که تو با او می‌توانی حرف بزنی و زبان را یاد بگیری و ندیمی هم هست که تو تنها نیستی. من یقین دارم تا سال دیگر اول تعطیلی که تو برای دیدار به طهران بیایی در زبان خیلی ترقی کرده باشی زبان انگلیسی امروز در دنیا مورد احتیاج است. در هر کجا غیر از دول کمونیست روسی همه انگلیسی حرف می‌زنند و کسی که این زبان را نداند از خیلی چیزها عقب می‌باشد. از حال من بخواهی همانطور حالی است که دیده‌ای. اکنون ۱۲ سال است بدون هیچ دلیل و جهتی از خروج از این قلعه محروم. دیگر بیش از این نمی‌نویسم توهم هر چه لازم داری برایم بنویس و یا پول آن را بفرستم که خودت در آنجا خریداری کنی. اگر چیزی می‌باشد که باید از ایران فرستاد در اینجا خریداری کنم و بفرستم. البته و صد البته هر چه می‌خواهی بنویس.

قربان سوسو جان عزیزم می‌روم

امبارد ۹ مهر ۱۳۴۴ اول دیسبر ۱۳۴۴

جناب سرکار جناب

مآثرات از تریبون بهتر است خوب کی تر است نه بد است
 اینکه صاحبان و همی دارند و تو همواره از طرف رفته و خود را
 یادگیری و تریبی می باشد که نه استیج نفس و دل و باکی اول
 سطر و تو بار بار در یک طراح یا بی در زبان جمع کرده که در زبان
 انگلیسی امروزه در دنیا مرد صفای است و یکی و عوارض که در کسوف
 همه کلیدی فریب نهند که همه در این دنیا از این بی خبری قدری
 اولی و کمالی در نظر می آید که در همه از این ۱۳۴۴ که ۱۳۴۴
 که در این وقت در هیچ کس نمی گویم کلیدی این فریب و ملامت
 منجم دارم تا کم نمایی یاد یکی از این فریب خود که یک نفر از کلیدی
 از حسی که جای المانی در کار در هیچ کس را نمی دانیم آنکه
 نگارنده صدای که در سخنوار که یکی زبان در جواب فریب کلیدی



۱۳۴۵

احمدآباد ۱۵ اردیبهشت

قربان محمود عزیزم

کافور رسیده چون نوشته بودم فردا در راه
 احمدآباد می رسیدم خورشم بعد از آن با شما در راه
 راجع کارهای آن صحبت می کنم در راه
 وقت با برکت

● دستخط دکتر محمد مصدق



احمدآباد ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۵

۲۱۶

قربان محمود عزیزم

کاغذ شما رسید. چون نوشته اید فردا که روز جمعه است احمدآباد می آئید بسیار
 خوشوقتم. امیدوارم شما را ببینم و ببوسم و راجع به کار بیمارستان که صحبتی می باشد
 در موقع ملاقات بگویم.

قربانت پاپا بزرگ

محمد علی نجفی

اصول ۲۷ آراء ۱۳۴۵

قرآن عهد عزیزم

بزرگوار

کافه مورخ ۱۳ دسامبر رسید در دست
 حال من شده ای بسیار غمگینم در هر لحظه
 سده رحمت را که در حالم فرزندم
 بزیم اکنون ۱۲ روزه در میانم
 عید عروسی است و هر ساله باره باره
 در هر نیمه روزه ۷۰ جمعه در هر روز
 خدایت بدست تو خاتم را از دست
 کجای کن که ارشاد شده است

7



● دکتر محمد مصدق

بیمارستان نجمیه

۲۷ آذر ماه ۱۳۴۵

قربان حمید عزیزم! مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

کاغذ مورخ ۱۳ دسامبر رسید. از این که نگران حال من شده‌ای بسیار متأسف شدم و از خداوند سلامت و خوشی تو را خواهانم. از حال منی دائم چه بنویسم. اکنون ۱۲ روز است که در بیمارستان هستم. عقیده عموم این است که برای معالجه به اروپا بروم ولی من راضی نیستم و بالاخره به همان احمدآباد مراجعت خواهم کرد. اخبار صحت و سلامت تو و خانم را بهتر انتظار دارم. امیدوارم بکلی رفع کسالت از ایشان شده باشد.

قربانت پاپا بزرگ